چهارشنبه
۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴
سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۹۷
روزنامه شرق | instagram:sharghdaily1 | twitter:sharghdaily | youtube:sharghdaily | Telegram:SharghDaily | aparat:tasvirshargh | www.sharghdaily.com

گفت‌وگوی «شرق» با هادی خانی، معاون وزیر اقتصاد

پالرمو و CFT درگیر سوءتفاهم

کلیات دو کنوانسیون سـی‌اف‌تی و پالرمو، هفته گذشته در مجمع تشخیص مصلحت بررسی شـد و در هفته جاری قرار است جزئیات بیشتری مورد بررسـی قرار بگیرد. هادی خانی، معاون وزیر اقتصاد و رئیس مرکز اطلاعات مالی، در گفت‌وگو با «شرق» ضمن بیان اینکه حالا دیگر به تمام ابهامات مجمع درباره این بندها پاسـخ داده شده و هیچ نقطه غیرشـفافی باقی نمانده، نسـبت به تصویب این دو لایحه ابراز امیدواری می‌کند. او در این گفت‌وگو به مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های مطرح‌شـده از سوی مخالفان درباره FATF پاسخ می‌دهد و تأکید می‌کند که در هیچ‌یک از استانداردها و توصیه‌های این گروه مالی هیچ اطلاعاتی از هیچ کشوری درخواست نشده است و همه نگرانی‌ها درباره افشای اطلاعات حیاتی و امنیتی اقتصادی کشـور در شرایط تحریم، نادرست است. چراکه اگر قرار بود با پذیرفتن بندهای FATF اطلاعات مهم افشا شود، غول‌های اقتصادی دنیا مثل چین، روسـیه و آمریکا هرگز حاضر به پذیرش این استانداردها نمی‌شدند. به گفته خانی فقط برداشـت‌های غیرفنی و نگاه‌های سیاسی به مقوله FATF موجب برداشت‌های نادرست و نهایتا رویکردهای تقابلی به دو کنوانسیون پالرمو و سی‌اف‌تی شده است. درحالی که برخلاف ادعای مخالفان، اتفاقا عدم همکاری کامل با FATF در اصل تسـهیل تحریم‌های آمریکاسـت؛ زیرا بدون هیچ هزینه‌ای از سمت این کشور، شبکه مالی ایران را تحت فشار مضاعف قرار می‌دهد.

در حال حاضر فضا درباره دو کنوانسـیون باقی‌مانده از FATF که هنوز به تصویب نرسیده‌اند، چطور است؟ در واقع شما فضا را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اول مـن اصلاح بکنـم؛ این دوتا کنوانسـیون، کنوانسـیون‌های FATF نیسـتند، کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند. یعنی الزام پیوستن ما به این دوتا کنوانسیون از سمت FATF صرفا نیست. ما عضو سازمان ملل متحد و متعهد به معاهدات بین‌المللی هستیم ولیکن FATF در توصیه شماره ۳۶ خودش و همچنین در برنامه اقدامی که با کشـور ما در سـال ۱۳۹۵ توافق کرده، پیوسـتن به این دو کنوانسیون را جزء شـرایط خود اعلام کرده و ما هم پذیرفتیم. البته کلا FATF روی چهار کنوانسیون حساسیت داشته از همان اول یکی کنوانسیون مبارزه با فسـاد مریدا که به آن پیوستیم و در حال اجرا هست، یکی کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر که آن هم در حال اجراست و دو کنوانسیون باقی‌مانده سی‌اف‌تی و پالرمو که تا به امروز تعیین‌تکلیف‌شان نکرده‌ایم. جالب اینجاست این دوتا کنوانسیون برخلاف سایر کنوانسیون‌هایی که الان اشاره کردم و بهشان پیوستیم، سیستم نظارتی و کنترلی ندارد، درحالی‌که آنها دارند؛ یعنی ما اکنون کنترل و چک و بازرسی می‌شویم.

امروز که با شـما صحبت می‌کنم فکر می‌کنم با گفتمان‌سازی و ادراک‌سازی فنی و حقوقی که در دولت جدید روی این موضوع در مقایسـه با گذشته انجام شد، درک مناسب‌تری نسبت به ماهیت این دو کنوانسیون و مزایا و معایبش در کشور و در خود مجمع تشخیص مصلحت نظام ایجاد شده است. تصور من بر این است که از نظر فنی و نظر حقوقی دیگر نکته مبهم یا تاریکی وجود ندارد که بخواهد مانع از تصمیم‌گیری کشـور درخصوص این دو کنوانسـیون بشود. تقریبا به تمام سـؤالات و تمام ابهامات نمایندگان محترم مجمع تشـخیص در قالب کمیته‌ها و کارگروه‌ها پاسـخ داده شد؛ پاسخ‌های مستند و دقیق. من فکر می‌کنم ان‌شاءالله اگر مشکل خاصی پیش نیاید، باید در جلسات آتی مجمع تشخیص مصلحت نظام این کنوانسیون‌ها تعیین تکلیف بشود.

با اینکه به قول شـما توضیحات کافی داده شـده و کاملا همه چیز شفاف است، اما همچنان ابهامات یا بهتر بگویم ادعاهایی از سـوی مخالفان مطرح می‌شود. مثلا بیشـترین چیزی که درباره FATF می‌گویند، این اسـت که مـا در وضعیت تحریم هسـتیم و به‌سـختی این تحریم‌ها را دور زده‌ایم، همکاری کامل با FATF به نوعی می‌تواند اطلاعات حیاتی اقتصادی ما را در اختیار تحریم‌کنندگان ما قرار بدهد. لطفا در این باره یک توضیح شفاف به مخالفان بفرمایید.

شـاید بیشـترین فهمی که الان درمورد FATF در کشـور چه در سطح عوام چه خواص ایجاد شده، فهمی است که از طریق گفتارهای رسانه‌ای اتفاق افتاده که البته در دنیا مرسـوم نیسـت که موضوع تخصصی و فنی و حقوقی مثل FATF در فضای رسـانه به بحث گذاشته بشود. بیشـتر در قالب کارهای تخصصی و کارشناسی انجام می‌شود اما خوب در کشـور ما متأسفانه این موضوع به نادرستی از طریق رسانه‌ها و بحث‌های رسانه‌ای و نادرست ایجاد شده است. ببینید، FATF خودش یک نهاد است. یعنی ۵۰ نفر آدم در فرانسه در یک ساختمان کوچک هستند و نه بانک اطلاعاتی دارند، نه دیتاسـنتر دارند، نه زیرساخت‌های IT و زیرساخت‌های شبکه‌ای دارند که بخواهند دیتا از کشـورها جمـع کنند. توصیه‌ها و اسـتانداردهایی که تهیه شـده با نظر تمام کشورها تهیه شده است. تمام کشورها خودشان هم دغدغه لورفتن اطلاعات حیاتی و اقتصادی خودشان را دارند و نظر دادند و پذیرفتند. وقتی تمام این کشورها نظر دادند، ۳۹ عضو اصلی FATF که آن هم مجموعه از کشـورها هستند، این را تصویب کردند. کشورهایی مثل چین، روسیه، ژاپن یا هندوستان یا کشورهایی که در حوزه اقتصاد رقبای سرسـختی دارند و برایشان مهم اسـت که اطلاعات حیاتی و اقتصادی‌شان را جایی مطالبه نکند و در اختیار رقبایشـان قرار ندهد، این را تأیید و تصویب کردند. پس اینکه بگوییم اسـتانداردها و توصیه‌های FATF به این سـمت بوده که اطلاعات حیاتی و اقتصادی از کشورها گرفته بشود، کاملا نادرست است. چون هیچ جایی در توصیه‌های FATF و در استانداردهای FATF دنبال گرفتن اطلاعات از کشورها نیست و نبوده. اگر همچین شرطی در توصیه‌هایش بود، هیچ کشوری حاضر نمی‌شد با FATF همکاری کند؛ چون به هر حال اطلاعات اقتصادی و حیاتی برای همه کشـورها مهم اسـت و این بحث یک بحث انحرافی بود که از اول در کشـور ما ایجاد شـد در حالی که کاملا نادرسـت بود. ما بند به بند توسـعه FATF را در مجمع به بحث گذاشتیم که کجای ایـن توصیه‌ها نوشـته که ما باید به FATF به اطلاعـات بدهیم؟ فقط در یک توصیه FATF هست که کشـورها باید با همدیگر در ردیابی‌های مالی شبکه‌های پول‌شویی یا شـبکه‌های تأمین مالی تروریسم همکاری بکنند که آن هم ما برایش قانون داخلی داریم. ماده هفت قانون مبارزه با پول‌شویی سازوکار تبادل اطلاعات بین کشورهاست، نه بین کشور و FATF؛ چون اصلا FATF این وسط نه دیتایی می‌خواهد و نه به دردش می‌خورد. ما با این حرف‌ها خودمان را ترساندیم، بعد هم کار را متوقف کردیم. آسیبش هم به کشور وارد شد. ما چون نرفتیم با FATF تعامل کنیم، از سال ۱۳۹۵ که اکشن‌پلن امضا کردیم تا ۹۶ که یک سال فرصت داشتیم، ۹۶ تا ۹۸ هم که FATF به ما فرصت داد که برنامه اقدام را اجرا کنیم و باز این فرصت را مدیریت نکردیم، وارد اقدام تقابلی شدیم. عملیاتی و اجرائی شده، اقدام تقابلی به این شکل است که اکنون در مورد ایران نظارت و کنترل شـدید فعالیت‌های اقتصادی در خارج از کشور وجود دارد. هر کسی پاسپورت ایرانی دارد و به هر مؤسسه مالی در دنیا اعم از بانک، صرافی، کارگزاری و... مراجعه می‌کند، به عنوان شـخص پرخطر پول‌شـویی و پرخطر تأمین مالی تروریسم مکلف به دادن اطلاعاتی است که ثابت کند فعالیت‌هایش و منشأ پولش در این راستا نیسـت. این خودش درز اطلاعاتی وحشتناکی اسـت که هیچ کنترلی روی آن وجود ندارد. پـس اینکه ما همکاری نکنیم، باعث لورفتن اطلاعاتمان می‌شـود نه اینکه از لیست سیاه خارج شویم.

در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام این موضوع به دقت به بحث گذاشته شـد، ما هم اعلام آمادگی کردیم که اگر سـندی دارید که نشان می‌دهد در چارچوب تعامل با FATF قرار اسـت اطلاعات اقتصادی کشـور را بدهیم به ما نشان دهید. در توصیه FATF، هیچ جایی اشـاره نشـده که باید اطلاعات بدهیـم، حتی داخل خود کنوانسـیون‌ها هم هر جا بحث همکاری‌های اطلاعاتی مطرح می‌شـود، می‌گوید در چارچوب قوانین داخلی. این کنوانسیون‌ها یا استانداردها خاص کشور ما نوشته نشده که بگوییم تمام دنیا جمع شـدند برای ایران مجموعه اسـتانداردهایی را نوشـتند تا اطلاعاتمان را بگیرند. تمام دنیا با این قوانین کار می‌کنند و مدیریتش می‌کنند.

اگر مسئله مخالفت تحریم‌بودن کشور ماست، پس چطور همین حالا کشورهایی که مشمول تحریم هستند مثل روسیه و ونزوئلا با FATF همکاری دارند!

همین‌طور اسـت. تحریم و FATF دو خط موازی‌اند نه متقاطع. گره‌زدن مدیریت تحریم‌ها به مدیریت FATF یک اشـتباه استراتژیک اسـت. به قول شما کشوری مثل روسیه تحریم است، اما با اینکه از عضویت FATF هم تعلیق شدند هنوز رئیس گروه مبارزه اوراسـیا است و با FATF به‌شـدت همکاری می‌کند. چون برایش مهم است. چون شاخص سلامت در پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه‌گذاری در دنیاست و برای روسیه مهم است که نمره منفی نداشته باشد. برایش مهم است که در کشورهای دیگر به عنوان یک کشور پرخطر پول‌شویی معرفی نشود. خیلی از این کشـورهایی که عضو FATF هسـتند در لیست تحریم آمریکا هستند، در لیست تحریم اشخاص فرانسوی، عربستانی و حتی صهیونیستی می‌بینید. در حالی که همین روز اگر ما در مذاکرات موفق شویم و توافق کنیم که تحریم‌ها را برداریم، پشت سـد FATF متوقف می‌شـویم. چون در نظام پولی-مالی دنیا اگر برخی از بانک‌های بزرگ به خاطر فشـارهای آمریکا حاضر شـدند به تحریم‌های آمریـکا علیه ایران تن بدهند، اما بدون تحریم هم سـایر مؤسسـات و بانک‌ها یـا صرافی‌ها و کارگزاری‌های دنیـا که لزوما خـود را در چارچوب همراهی با آمریکا نمی‌بیننـد، به بهانه FATF بـا ما همکاری نمی‌کنند. تحریم‌ها تعداد مشـخصی از مـردم را تحریم کرد اما FATF پاسـپورت ایرانی را تحریم کرده است. تحریم یک‌جانبه سیاسی که سازمان ملل آن را قبول نکرده با محدودیت FATF که مورد تأیید سـازمان ملل و قطع‌نامه‌های شورای سازمان ملل متحد است، با هم خیلی فرق دارد.

مسـئله دیگری که از سـمت مخالفان مطرح می‌شـود، این اسـت که دو لایحه باقی‌مانده چه تصویب بشـوند و چه نشوند، ما همچنان در لیست سیاه هستیم. همین الان کره شمالی این دو لایحه را پذیرفته اما نهایتا موفق نشده از لیست سیاه خارج شود. به نظر می‌رسد مخالفان می‌خواهند بدانند چه تضمینی وجود دارد که با پذیرش این دو لایحه از لیست سیاه حداقل خارج شویم؟

این دو کنوانسـیون شـرط لازم خروج ایران از لیست سـیاه هستند، اما شرط کافی نیسـتند. ما یک برنامـه اقدام داریم که دو بنـد از برنامه اقدام، کنوانسـیون پالرمو و سی‌اف‌تی هستند. این دو بند پاس شوند، سایر بندها را هم باید انجام دهیم تا از لیست سـیاه خارج شویم. آن چیزی که مسلم است، این است که توافق‌نامه رسمی بین ما و FATF وجود دارد و در چارچوب این توافق‌نامه رسـمی، پنج بند از برنامه اقدام کاملا تأیید شـده، ۱۲ بند هم تا حد خیلی زیادی حل شـده.

یعنـی می‌توانیم بگوییم ۱۷ بند را تقریبا پاس کرده‌ایم و الباقی بندها را هم باید انجام دهیم تا از لیست سیاه خارج شـویم. اما چرا پالرمو و سـی‌اف‌تی الان خیلی مهم است؟ این حرف درسـت است که اگر ما این دو را بپذیریم، تا سایر بندهایمان را انجام ندهیم، از لیست سـیاه خارج نمی‌شویم اما FATF در بیانیه‌اش از سال ۹۸ اعلام کرده اگر ایران این دو تا کنوانسـیون را ایران بپذیرد و تصویب کنـد، درخصوص تعلیـق اقدامات تقابلی تصمیم‌گیری می‌شـود. ما الان دنبال دو چیز هستیم؛ یک اینکه اقدامات تقابلی تعلیق شود، چون آن چیزی که از لیست سیاه مهم‌تر است، خارج‌شدن ما از تعلیق اقدامات تقابلی‌مان اسـت. چون لیست سیاه با حذف اقدام تقابلی، تبدیل می‌شـود به یـک رفتار عادی که با برخی دیگر از کشـورها هم می‌شـود. از این مهم‌تر، اینکه با پذیرش این دو کنوانسیون فضای شبکه‌سازی و اجماع‌سازی در بین کشورهای دوست ما برای اینکه از ما حمایت کنند در جلسات FATF ایجاد می‌شود. چون بـه هر حال همه اعضای FATF کـه موافقین آمریکا نیسـتند ولی وقتی ما معاهدات بین‌المللی را قبول نمی‌کنیم، دسـت آنها هم بسته اسـت برای دفاع. چون واقعا سی‌اف‌تی و پالرمو تبدیل به ابزار فضاسازی و سم‌پاشی علیه ما شده اسـت. می‌گویند اگر مدعی هستند تأمین مالی تروریستی نمی‌کنند، چرا کنوانسیون سیاسی آن را نپذیرفتند؟ اگر مدعی هستند که در حوزه جرائم سازمان‌یافته فراملی مثل قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و... فعالیت ندارند، پس چرا کنوانسیون پالرمو را نپذیرفتند؟ بسیاری از کشورهای حتی اروپایی همراه ما بودند، مدافع ما بودند اما این دست‌دست‌کردن‌ها و تعیین تکلیف نکردن‌ها یواش‌یواش آنها را هم ناامید کرد که خود ایران عزمی برای حل مشکلش ندارد.

> **امروز که با شما صحبت می‌کنم فکـر می‌کنم بـا گفتمان‌سـازی و ادراک‌سـازی فنی و حقوقی کــه در دولت جدیــد روی ایــن موضوع در مقایســه با گذشــته انجام شد، درک مناســب‌تری نسبت به ماهیت این دو کنوانسیون و مزایا و معایبش در کشور و در خود مجمع تشخیص مصلحت نظام ایجاد شده است**

این کنوانسـیون‌ها مشـابه تمام کنوانسیون‌های سـازمان ملل متحد که ما تا الان پذیرفتیم، هم فرصت هستند و هم تهدید. همه را باید مدیریت کنیم همان‌طور که بقیه کشورها این کار را می‌کنند.

لطفا با جزئیات بیشتری توضیح بدهید که حضور در لیست سیاه با مشمول اقدامات تقابلی‌بودن دقیقا در عمل چه تفاوت‌هایی دارد؟

تعریف لیست سیاه در استانداردهای FATF خیلی شفاف است. خوشبختانه تمام بازیگرهای فیلم FATF سناریوی نوشته‌شـده دارند و طبق همان بازی می‌کنند. چیز پنهان و مخفی وجود ندارد و همه چیز در اختیار همه کشـورها هسـت؛ یعنی همه می‌دانند چه زمانی و چطور وارد لیسـت سیاه یا خاکستری می‌شوند و چه زمان از آن خارج می‌شـوند. اصلا نه تصمیم سـلیقه‌ای اینجا وجود دارد، نه برخورد شخصی یا سیاسـی. اگر کشـوری عضو گروه‌های منطقه FATF نشود، به لیست سیاه منطقه‌ای وارد می‌شود. شروع داستان ما برای FATF هم این بود که به گروه‌های منطقه FATF نرفتیم. یا مثلا شرط دوم گفته که اگر از مجموع توصیه‌های FATF، بیشتر از ۱۵ توصیه را کشوری اقدام نکرده باشد، به لیست سیاه راه می‌یابد.

وقتی اکشن پلن ما نوشته و امضا شد، ولی بعد اجرا نشد و بعد هم به چالش‌هایی مثل عدم تصویب لوایح برخورد کردیم، علیه ما اقدام تقابلی تعریف کرد. اقدام تقابلی یعنی طرف حسـاب ما دیگر FATF نیست، دنیاست. درواقع در حوزه پولی و مالی ما نه با FATF بلکه با دنیا مشکل داریم. چیزی که الان ما به اسم FATF بزرگ کردیم در داخل کشور خودمان، صرفا توصیه‌ها و استانداردهایی است که همه دنیا پذیرفته و ما الان با دنیا طرفیم نه با FATF. وقتی اقدام تقابلی علیه کشوری تعریف می‌شود، تمام کشورهایی که عضو گروه‌های منطقه‌ای هستند، به غیر از کره‌شمالی و ایران، ملزم به اجرا این اقدامات علیه ما هسـتند. اقدامات تقابلی فعلا برای ما از جنس نظارت‌های خیلی شـدید است. از ما بدتر الان کره شمالی است که برخلاف ما فعال عمل نکرده و وقتی برنامه اقدامش ابطال شد، گزارش جدید نداد، اما ما مرتب گزارش می‌دهیم.

بـه همین دلیل اگر ایرانی امروز خارج از کشـور می‌تواند سـرویس بگیرد ولی به سـختی، تبعه کره شمالی هیچ سرویسـی نمی‌تواند دریافت کند. تمام کارگزاری‌ها و مؤسسـات پولی و مالی دنیا حق ارائه خدمات به اتباع کره شـمالی را ندارند. تازه باز هم برخورد امروز با کره شمالی آخرش نیست؛ چون در توصیه ۱۹ FATF این اقدامات تقابلی را درواقع به‌عنوان نمونه گفته و این اختیار به کشـورها داده شده است که هر کشـوری هر اقدام تقابلی هم که دوسـت دارد علیه ما تعریف کند. پس فضا، فضای جدی است و باید مدیریت شود تا به سخت‌ترین و پیچیده‌ترین حالت‌ها نرسد.

بین صحبت‌هایتان اشـاره کردید که یک نگاه سیاسـی به FATF وجود دارد. من فکر می‌کنم اساس بدبینی‌ها هم از همین نگاه سیاسـی می‌آید. برخی مخالفان حتی به صراحت می‌گویند همکاری با FATF، بازی‌کردن در زمین آمریکاسـت یا مثلا ادعا می‌کنند که با توجه به نقشـی که آمریکا و اسرائیل دارند، ایران در رأی‌گیری‌ها شانسی ندارد. فکر می‌کنید اساسا این جنس نگاه به یک مجمع اقتصادی از کجا نشئت می‌گیرد؟

من احسـاس می‌کنم چون پایه گفتمان موضوع FATF کج گذاشته شد، بعضا با لج‌بازی‌هـای گفتـاری و فکری مواجهیم تا با یک بحث منطقی و کارشناسـی؛ یعنی افرادی بودند که موضع‌گیری‌هایی را در گذشـته داشـتند و حالا نگران تغییر موضع خودشان هسـتند. درحالی‌که اگر نگاه ملی داشته باشـیم، که باید داشته باشیم، هر کجا لازم اسـت باید اشـتباه خود را اصلاح کنیم. من یک سؤال مشخص از مخالفان می‌پرسم؛ آیا حضور ما در لیست سیاه FATF برای اقتصادمان خسارت دارد یا خیر؟ اگر دارد، این حرف خیلی سطحی‌نگرانه نیست که بگوییم آمریکا دوست دارد ما خسارت نبینیم و اصرار دارد هرچه سـریع‌تر از لیست سیاه خارج شـویم؟! اگر واقعا آمریکا را دشمن خود می‌دانیم، قطعا دشمن ما اقدامی به نفع ما انجام نمی‌دهد.

امروز تمام ارتباطات مالی ما با دنیا قفل اسـت. حتی آن بانک‌ها یا مؤسسات مالی که حاضر نیسـتند تن به تحریم‌های آمریکا بدهند، به بهانه FATF با ما کار نمی‌کنند. خوب این به نفع آمریکاست؛ چون دیگر مجبور نیست به زور کشورها را وادار به قطع ارتبـاط تجاری و مالی با ما کند. اینکه گفته می‌شـود با حضور آمریکا و اسـرائیل ما نمی‌توانیم در اجماع و رأی‌گیری‌ها از لیسـت سـیاه خارج شویم نیز ناشی از ناآگاهی است. کجا نوشته که نظام رأی‌گیری در FATF اتفاق آراست؟ شما موضوع‌تان را ارائه می‌کنید، کشورهای موافق و مخالف نظرشان را می‌گویند. بعد شما باید از کار خودتان در برابر کشورهای مخالف دفاع کنید و جواب فنی و حقوقی بدهید. وقتی جواب فنی دادید، خودبه‌خود اجماع اتفاق می‌افتد. اگر با حضور آمریکا و اسرائیل نمی‌توانستیم رأی جمـع کنیم، پس چطور تا امـروز ۱۷ بند را تصویب گرفتیـم؟ یا وقتی ترامپ به خزانه‌داری آمریکا دستور داد اقدامات تقابلی علیه ایران نباید برداشته شود، من مکاتبه کردم با رئیس FATF و به صراحت پرسـیدم آیا ترامپ می‌تواند مانع خروج ما از لیست سـیاه بشـود؟ و به ما پاسخ رسمی دادند که ما براساس اسـناد، استانداردها و بحث فنی و حقوقی‌مان کار می‌کنیم و از آمریکا یا کشـورهای دیگری خط نمی‌گیریم. اصلا گیریم همه اینها اشـتباه، نظر همه مخالفان محترم را می‌پذیریم، حق با شماست؛ اما آیا انقلابی‌گری و مدیریت صحیح کشـور یعنی خالی‌کردن میدان به نفع کشـورهای متخاصم؟ یعنی پاک‌کردن صورت‌مسئله‌ها و یک گوشه قایم‌شدن؟ یا وارد مطالبه‌گری شـدن؟ ما با سـند حرف می‌زنیم و با سـند به ما حرف بزنید. ما با سند می‌گوییم شما اشتباه می‌کنید، خوب شما هم با سند به ما بگویید که ما اشتباه می‌کنیم.

بین صحبت‌هایتان اشاره کردید به اینکه به مخالفان اطلاعات نادرست داده شد؛ به نظر شـما بعد از سال‌ها شفاف‌سـازی دراین‌باره، واقعا مشکل اطلاعات نادرست است یا دیگر بحث لجاجت سیاسی و حتی منافع گروهی خاص مطرح است؟

من اول فرض را بر این می‌گذارم که اطلاعات نادرسـت داده شده، چون نمی‌توانم بگویم کسـانی که مخالف FATF هسـتند، دغدغه ملی و دغدغه مردم را ندارند، اما اتفاق بدی که افتاد، متأسـفانه این بود که در گذشـته یک نوع اطلاع‌رسانی نادرست اتفاق افتاد که ضعف شـاید امثال بنده بوده که بایـد دقیق می‌گفتیم، دقیق توضیح می‌دادیم و به سـؤالات پاسـخ مسـتند می‌دادیم. بااین‌حال در برخی از افراد هم این بازگشت و عقب‌نشینی این‌طور تعبیر می‌شد که اگر تغییر موضع بدهند، خود را خراب کرده‌اند. به هر حال فرض اول همچنان بر اطلاعات نادرست است؛ اگرچه برخی هم ممکن اسـت گاهی لجاجت به خرج بدهند. مجمع تشـخیص مصلحت نظام برای همین ایجاد شـده که حرف‌های موافق و مخالف را بشـنود و برای مصلحت کشـور تصمیم بگیرد؛ چون به هر حال نمی‌شـد انتظار داشت حتما روی یک موضوع همه توافق داشته باشند.

به نظرم این مخالفت‌ها ناشی از ناآگاهی و عدم شناخت استانداردها و توصیه‌های FATF و البته لمس‌نکردن مشکلاتی است که مردم خارج از کشور با پاسپورت ایرانی با این موضوع دارند. ناشـی از صرفا شـنیدن حرف‌ها و تفسیرهای شخصی است. در جلسات مجمع تشخیص، ما حتی روی اسناد به انگلیسی بحث می‌کردیم؛ چون حتی روی نسـخه فارسی تشکیک می‌شد که ممکن اسـت تفسیر عده خاصی باشد. امروز به قاطعیت عرض می‌کنم که هیچ سـؤال فنی و حقوقی بدون پاسخی نداریم در بین این دوستان. پاسخ را مستند دریافت کردند. برخی می‌گفتند به واسطه این لوایح ما از گروه‌های مقاومت دیگر نمی‌توانیم حمایت کنیم. من پاسـخ دادم که خود کشورهای میزبان گروه‌های مقاومت CFT را پذیرفتند و ملحق شـدند. اگر قرار بود به واسـطه کنوانسـیون‌ها، اطلاعات به دست بیاورند، خوب این اطلاعات را از آنها می‌گرفتند. اما نمی‌توانند چون اطلاعات داده‌شـده در چارچوب قوانین داخلی است. کجا نوشته که قرار اسـت اطلاعات گروه‌های مقاومت را بدهیم؟ به من نشان بدهید. در کنوانسیون بخش‌هایی که به همکاری اطلاعاتی استناد شـده، اشاره شده در چارچوب قوانین و مقررات داخلی.

شما ابتدای صحبت‌هایتان جایی اشاره کردید که FATF و تحریم‌ها دو خط موازی هسـتند و گرهی بین آنها وجود ندارد؛ ولی از نگاه بسیاری از مخالفان این‌طور نیست و یـک درهم‌تنیدگی بین ایـن دو موضوع وجود دارد. برای مثـال، در حال حاضر که مذاکرات انجام می‌شود، برخی مخالفان تصویب لوایح باقی‌مانده را شبیه امتیازدادن می‌دانند و نگران هستند که اگر تحریم‌ها پابرجا بماند و ما این دو لایحه را تصویب کرده باشیم، چه اتفاقی برایمان می‌افتد. چه پاسخی به این دست نگرانی‌ها دارید؟

اولا کنوانسیون‌ها متعلق به سازمان ملل متحد است نه آمریکا. الزام به پذیرش این کنوانسیون‌ها، قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد است نه دستور ترامپ. نیاز ما برای پیوسـتن به این کنوانسیون‌ها، رفع مشکلات اقتصادی‌مان و شبکه‌سازی و اجماع در بین کشـورهای دوست اسـت، نه رفع نیازهای آمریکا. این حرف که ما باید برای تصویب CFT و پالرمو از آمریکا امتیاز بگیریم، مصداق این است که بگوییم آمریکا باید به ما امتیاز بدهد تا ما مشکلات‌مان را حل کرده، اعتماد دنیا نسبت به خودمان را تقویت کنیم و تعاملات پولی و مالی‌مان را با دنیا بهبود ببخشیم! این نگاهی به‌شدت سـطحی به موضوع اسـت. من تأکید می‌کنم که هر دو کنوانسـیون بـرای ما بدون تهدید نیسـت، همان‌طور که برای تمام دنیا هسـت، اما اینکه بخواهیم مدیریت این کنوانسـیون‌ها را با این حرف‌ها و نگاه‌های سطحی پیش ببریم، آسیب‌زاست. بله ممکن اسـت در پی تصویب با مشکلاتی مواجه شـویم، هیچ‌کس منکر این نیست، اما مگر در سایر کنوانسیون‌هایی که پذیرفتیم به مشکل نخوردیم؟ بله خوردیم، اما مدیریتش کردیم. این یکی را هم می‌توانیم مدیریت کنیم. ولی متأسفانه این دو کنوانسیون تبدیل شـده به یک ابزار سیاسی داخلی و از مسـیر فنی و حقوقی و عاقلانه خودش خارج شـده اسـت. موضوع دیگر تبدیل شده به یک ابزار کشـمکش سیاسی که هیچ جای دنیا مرسـوم نیسـت. چرا هر نوع تفسیر شـخصی را که داریم، علنی در رسانه اعلام می‌کنیـم که هم به مردم ذهنیت نادرسـت بدهیم و هم فضـا را به نحوی غبارآلود کنیم؟ اگر نگرانی وجود دارد، بهتر این است که معاهده را قبول کنیم و بعد با مطرح‌کردن نگرانی‌هایمان، از آنها بخواهیم برای ما شفافش کنند. تمام کشورهایی که دغدغه حمایت از مقاومت را داشـتند و همه کشـورهای اسلامی، کمیسیون‌های پالرمو و CFT را پذیرفتند و حق شـرط گذاشـتند تا بتوانند مدیریت کنند. ای کاش به جای کشـاندن موضوعات به این بحث‌های سـطحی و عامیانه، در عمق ورود کنند و برای مدیریـت چالش‌ها فکری کنند، نه برای حذف صورت‌مسـئله‌ها؛ چون نه برای کشور، نه برای آینده و نه برای مردم بازی با چالش‌های بین‌المللی به این فرم منفعتی نخواهد داشت.

لطفا شـفاف توضیح بدهید وقتـی از چالش‌های احتمالـی پالرمو و CFT حرف می‌زنیم، دقیقا منظورمان چیست؟ چون ظاهرا همه ابهامات مخالفان در همین نقطه است که از ۴۱ بند، فقط همین دو کنوانسیون باقی مانده است.

تمام توصیه‌های FATF در قوانین و مقررات داخلی ما الان گنجانده شـده است و در حال اجراست، اما در چارچوب برنامه اقدام، تکمیل این اقدامات و جمع‌بندی آنها و یک‌سـری اصلاحات قوانینی که نیاز داشتیم، در این سال‌ها به تأخیر افتاده که عامل اصلی آن هم ناهماهنگی‌های داخلی بوده اسـت. ما از ۴۱ بند برنامه اقدام، پنج بند را کامل از FATF تأیید گرفتیم و در اجلاس FATF تصویب شـده که ایران انجام داده است. ۱۲ بندش را هم تا حد خیلی زیادی از ما پذیرفتند؛ یعنی پذیرش کامل نیست، اما تا حد زیادی پذیرفته اسـت که البته چالش خیلی زیادی نداریم و آنها را پذیرفته‌شده تلقی می‌کنیم؛ چون چند اشکال جزئی دارد که قابل حل است. الباقی بندهای برنامه اقدام اما یک‌سری اصلاحات قوانین و مقرراتی و درواقع همکاری‌های تقسیم کار ملی و بین دستگاهی نیاز دارد که شاید بین اینها همین موضوع که CFT و پالرمو در مجمع تشـخیص مصلحت نظام رفته، خیلی پررنگ شـد. طوری هم متأسـفانه در گذشته فضاسازی شـد که گویی مجمع می‌خواهد در مورد ماهیت FATF تصمیم بگیرد که البته به درسـتی رئیس محترم مجمع تشخیص در جلساتی که حداقل در این دولت تشـکیل شد، به این موضوع مرتب تاکید می‌کردند که مجمع در جایگاه تصمیم‌گیری درباره خوب‌بودن یا بدبودن تعامل ما با FATF نیست. این دو لایحه از این جهت مهم هستند که ما اقدام تقابلی را تعلیق کنیم، اما اینکه می‌پرسید چه تهدیدهای دارد، الان که دارم با شما صحبت می‌کنم، ما به تهدید مشخصی نرسیدیم چون همه چیز شفاف اسـت، اما فردا را نمی‌دانم. شاید فردا توصیه آپدیت و چیزهای جدید مطرح شود که آن موقع باید بتوانیم مدیریت کنیم و تصمیم بگیریم. اگر تغییری در شرایط ایجاد شود، مثل تمام کشـورهای دیگر تصمیم می‌گیریم و حتی اگر لازم شد، مثلا تغییرات طوری بود که منافع ملی کشـور یا منافع امنیتی کشـور تهدید می‌شـد، خارج می‌شویم. اما وقتی از اساس نپذیرفته باشیم، اصلا تریبون نداریم که حرف بزنیم. ما اگر می‌پذیرفتیم یا می‌رفتیم با FATF عادی‌سـازی پرونده‌مان را انجام می‌دادیم، الان تریبون داشتیم، مدعی بودیم و در تغییرات نقش ایفا می‌کردیم.

FATF چالش دائمی کشـور اسـت و روز به روز هم قدرتش بیشـتر می‌شود. روز به روز سـازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با FATF همکاری بیشتری می‌کنند. الان اینترپل با FATF تفاهم‌نامه همکاری دارد، بانک جهانی دارد، صندوق بین‌المللی پول دارد، بیمه جهانی دارد، گمرک جهانی و تمام سازمان‌های دیگر هم دارند. بیش از ۳۰ قطع‌نامه شورای امنیت سـازمان ملل متحد از استانداردها و توصیه FATF حمایت کرده؛ یعنی موضوع، موضوع بین‌المللی اسـت. نقطه مقابل ما نهاد FATF نیسـت، نقطه مقابل ما کشـورهایی هسـتند که توصیه‌هـای FATF را پذیرفته‌اند و با FATF همکاری نزدیک دارند. ما می‌خواهیم با دنیا کار کنیم، نمی‌خواهیم با FATF کار بکنیم. الان به‌جز کره‌شـمالی با هر کشور دیگری بخواهیم کار پولی و مالی انجام بدهیم، به سد اقدامات تقابلی FATF علیه کشور برخورد می‌کنیم.

در پی همان تفکر درهم‌تنیدگی تحریم و FATF که اشاره کردم، بعضی هم این نگاه را دارند که تا زمانی که تحریم‌ها پابرجا باشند، حتی خروج ما از لیست سیاه FATF هم برایمان تأثیری ندارد و مشکلی از مشکلات ما حل نمی‌کند. دراین‌باره هم لطفا توضیح دهید.

این حرف هم کاملا نادرسـت است. قبول، تحریم‌های ظالمانه آمریکا به ما خیلی فشار آورده، اما من اشاره کردم آمریکا برای اینکه تحریم‌هایش را علیه اتباع ایرانی که در لیسـت تحریم‌های خودش قـرار داده در دنیا عملیاتی کند، یا تهدید می‌کند یا باج می‌دهد؛ چون تحریم‌های آمریکا، تحریم‌های مورد تأیید سـازمان ملل متحد نیسـت که ابزارهای سازمان ملل یا شورای امنیت سازمان ملل متحد از این تحریم‌ها حمایت کنـد. پس آمریکا باید هزینه بکند تا این تحریم‌ها را علیه ما عملیاتی کند. اما با وجود FATF این‌طور نیست. ضمن اینکه الان که ما می‌خواهیم تحریم‌ها را دور بزنیم، وقتی حسـاب مالی تمام اتباع ایرانی تحت کنترل شدید به بهانه اقدام تقابلی FATF است، بهتر می‌توانیم تحریم‌های آمریکا را مدیریت کنیم یا وقتی اقدام به تقابل تعلیق شود؟ الان تبعه ایرانی در دنیا نمی‌تواند حساب بانکی باز بکند و راحت نمی‌تواند هر پولی را جابه‌جا کند؛ چون باید برای هر کاری جواب پس بدهد. درحالی‌که ما بدون این شرایط بهتـر می‌توانیم تحریم‌های آمریکا را مدیریت کنیـم. از همه اینها مهم‌تر، تحریم‌های آمریکا موضوعی سیاسـی اسـت و با یک مذاکره به راحتی قابل لغو یا قابل برگشت است. شما فرض کنید همین مذاکرات ما با آمریکا به جمع‌بندی برسد و تحریم‌ها لغو شود، اینجا مشکل حل شده اما مدیریت FATF یک موضوع زمان‌بر است که با مذاکره، فوری حل نمی‌شـود. خروج از لیست سیاه حداقل یک تا دو سال زمان می‌برد. جنس مدیریت تحریم‌ها مذاکره اسـت، اما جنس مدیریت FATF پاسخ‌دادن فنی و حقوقی و دفاع از اقدامات کشـور است. در مذاکره با آمریکا با یک کشور طرف هستیم، ولی در FATF بـا جامعه بین‌المللی طرفیم. اگر ما در مذاکره با آمریکا فقط باید با آمریکا در بحث باشیم و در نهایت منافع خود را مطالبه کنیم، در موضوع خروج از لیست سیاه باید برای هفت، هشـت کشور توضیح بدهیم و دفاع بکنیم. نباید اجازه بدهیم لیست سـیاه FATF ابزار و درواقع دستاویز کشـورهای متخاصم قرار بگیرد که از منافع لغو تحریم‌ها نتوانیم استفاده بکنیم.

عکس: سهند تاکی، شرق

> **در مذاکره بـا آمریکا با یـک کشـور طرف هستیم، ولی در FATF با جامعــه بین‌المللی طرفیــم. اگــر مــا در مذاکره با آمریکا فقط باید با آمریکا در بحث باشـیم و در نهایـت منافع خـود را مطالبه کنیـم، در موضـوع خروج از لیسـت سیاه بایـد بـرای هفـت، هشت کشـور توضیح بدهیم و دفاع بکنیم. نبایـد اجـازه بدهیم لیست سـیاه FATF ابزار و درواقع دستاویز کشـورهای متخاصم قرار بگیرد که از منافع لغـو تحریم‌ها نتوانیم استفاده بکنیم.**

یکی از چالش‌های اصلی ما در سـال‌های اخیر در اقتصاد، بحث سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه خارجی است. می‌دانیم که در شاخص بازل هم بحث گزارشی که FATF ارائه می‌دهد، حائز اهمیت است. اگر بخواهیم در این راستا اقدامی انجام دهیم که در بحث سـرمایه‌گذاری برای ما اوضاع تسهیل بشود، تصویب این دو لایحه و لغو اقدام تقابلی کمکی می‌کند یا لزوما باید از لیست سیاه خارج شویم؟

لازم است حتما خروج از لیست سیاه که پروسه زمان‌بری هم هست، انجام بگیرد. در بحث سـرمایه‌گذاری یک مثال سـاده بزنم؛ فرض کنید شـما پـول خوبی دارید و می‌خواهید در کشـوری سرمایه‌گذاری کنید. وقتی برای آن کشور در جامعه بین‌الملل چندین سـال فضاسازی و سم‌پاشی شده و از دید سیسـتم‌های پولی و مالی دنیا یک کشور پرخطر پول‌شـویی و تأمین مالی تروریسم است، آیا حاضر می‌شوید سرمایه‌تان را راحت ببرید در آن که در برگشـت پولتان هم به مشکل بخورید؟ وقتی هم که پول را بازگردانید باید به همه ثابت کنید که این پول، پول کثیف نیسـت؛ چون کشور، کشور پرخطری معرفی شـده است. همان‌طور که اشـاره کردید، در شاخص بازل ۳۰ امتیاز برای گزارش FATF گذاشـته شـده است. کشـورها در حوزه پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم رتبه پاکی‌شان بسیار برایشـان اهمیت دارد. رتبه‌بندی‌هایی که FATF دارد، برای کشورها خیلی مهم است و بر سرش رقابت می‌کنند تا رتبه بالاتری بگیرند؛ چون این رتبه بالا در FATF و در لیسـت سفید بودن معنایش این است که آن کشور شفاف است و این شـفافیت عامل اعتماد است. اینکه فکر کنیم فقط با گفتن و دعوت‌کردن بـه اینکه بیایید سـرمایه‌گذاری کنید، بدون اینکه این چالش‌هـا را حل کنیم، دیگران سرمایه‌شـان را به کشـور ما می‌آورند، توقع عجیبی است. شـاید دو سال یا سه سال بعد بتوانیم این اعتمادسازی‌ها را نسبت به وضع موجود بهبود بدهیم و فضا را برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی داخل کشور هموارتر کنیم.

ما در حال حاضر به لحاظ زیرساخت‌های اقتصادی و سیاسی هم البته برای جذب سرمایه فضای مناسبی نداریم.

الان که با شـما صحبت می‌کنم شـاید یکی از و در واقع شـاید مهم‌ترین کشـور منطقه هسـتیم که بهشت سرمایه‌گذاری خارجی است. ایران ظرفیت بسیار بالایی در سـرمایه‌گذاری دارد اما هموارشدن مسـیر جذب آن، ترکیبی از یک کار سیاسی است که وزارت خارجه باید دنبال کند و یک کار زیرسـاختی که باید بازار اقتصادی کشور آن را دنبال کند. در واقع تقسـیم کار ملی را می‌طلبد که این مسـیر هموار شود و اما آن چیزی که مسـلم است، این اسـت که هر چقدر هم داخل کشور روی این موضوعات همکاری کنیم، اعتمادسـازی‌های بین‌المللی بسـیار مهم‌تر است. یعنی صرف اینکه بگوییم زیرساخت‌مان را آماده کردیم پس دیگر همه چیز آماده است، اشتباه است. ما در مجامـع بین‌المللی هر جایی که تریبون پیدا می‌کنیم، می‌گوییم که ما چه کارهایی در حوزه مبارزه با تروریسـم و قاچاق کرده‌ایم. امروز که دارم با شما صحبت می‌کنم، این دید واقعا در مقایسه با گذشته نسبت به ما فرق کرده، چون آن زمان خبر نداشتند.

بعد از جریانی که اخیرا ما در بحث بانک‌ها شـاهد بودیم، که اطلاعاتشان به طور کامل هک و افشا شد، بی‌اعتمادی گسـترده‌ای نسبت به بحث امنیت اطلاعات مالی و اقتصادی ما ایجاد شـده اسـت. اگر این نوع درز اطلاعاتی را بسط بدهیم به سایر اطلاعات مالی، آن زمان این سـؤال ایجاد می‌شود که وقتی دسترسی به اطلاعات چه همکاری بکنیم با FATF چه نکنیم، این اندازه آسـان اسـت، پس چرا این‌قدر هزینه گزاف برای نپذیرفتن FATF پرداخت می‌کنیم؟

موضوع امنیت اطلاعات یک موضوع نسـبی است. امنیت هیچ وقت سد نیست و به قول جمله معروف، قفلی که یک انسان می‌سازد را انسان دیگری می‌تواند باز کند یعنی همیشـه یک فکر برتر وجود دارد. به هر حال امنیت هیچ وقت صد نیست ولی واقعیتش شاید اگر از زاویه امنیتی اطلاعاتی بخواهیم نگاه کنیم، من همیشه پیشنهادم به دسـتگاه‌ها این بوده که دیتایی را که فکر می‌کنید فردا ممکن است به شما آسیب بزند یا اصلا تولید نکنید یا وقتی تولید می‌کنید، سازوکار نگهداری از آن دیتا را متفاوت از سایر دیتاهایتان در نظر بگیرید. شاید یکی از آسیب‌های حوزه امنیت اطلاعات ما در کشور همین است که ما تقریبا همه دیتاهایمان، چه دیتای باارزش، چه کم‌ارزش و چه پرارزش را قاطی می‌کنیم. یعنی تفکیکی که در آن دیتای مهم‌تر را یک جای خاص و دیتایی که وزن کمتری دارد را طور دیگر نگهداری کنیم، وجود ندارد. در کشور هنوز به این بلوغ نرسـیدیم و این چالش‌ها ممکن است ایجاد شود. به هر حال تهدید سرقت اطلاعات یا سوءاستفاده از اطلاعات در ابعاد داخلی یا بین‌المللی برای همه اشخاص حقیقی و حقوقی یا کشورها وجود دارد و موضوعی نیست که بگوییم قابل صفرشدن است. واقعا قابل صفرشدن نیست و این اتفاقات می‌افتد، البته اگر صحت داشته باشد چون واقعا برای خود من هنوز محرز نشده که واقعا هک اطلاعاتی بانک اتفاق افتاده، چون صحبت‌ها متفاوت بود.

اما در افای‌تی‌اف هیچ جایی در هیچ استانداردی و در هیچ توصیه‌ای هیچ دیتایی از هیچ کشـوری خواسته نشـده است. FATF از هیچ کشـوری اطلاعات اقتصادی و حیاتی‌اش را نخواسـته، اگر هم بخواهد هیچ کشوری نمی‌دهد. در توصیه‌هایش تنها گفته شـده که باید با کشورهای دیگر همکاری کنید، یعنی یک کشور با کشور دیگر آن هـم در چارچوب قوانین داخلی هر دو کشـور. تمام اقتصادهای کلان دنیا که اقتصاد ما در مقایسـه با آنها اصلا چیزی نیسـت مثل چین یا مثلا خود آمریکا یا روسـیه که غول اقتصادی محسـوب می‌شوند، خودشان با FATF همکاری می‌کنند. درحالی که تمام اطلاعات اقتصادی برایشان حیاتی است چون در رقابت اقتصادی با سایر کشورها هستند و افشای اطلاعات برایشان مشکل‌ساز است.

این را هم بگویم که برخی از دوسـتان به اشـتباه می‌گویند ما درمورد FATF باید تصمیم بگیریـم، درحالی که تصمیم‌مان را گرفتیم در سـال ۱۳۹۵. همان زمانی که نماینده جمهوری اسـلامی ایران امضا کرد، ما بازی را با FATF شروع کردیم و اکنون هر سـال سـه بار گزارش می‌دهیم. تأکید می‌کنم که همه بدانند ما سالی سه مرتبه بـه FATF گزارش اقدام می‌دهیـم. کل بحث‌ها روی پالرمو و سـی‌اف‌تی و مباحث این‌چنینی فقط سرعت‌دادن به این تعامل است تا سریع‌تر به منافعش برسیم.

من سالی حداقل سه مرتبه شخصا می‌روم در گروه منطقه اوراسیا و گزارش کشور را می‌دهم. یک ماه دیگر هم می‌روم مسـکو تا گزارش بدهم، قبل از سـال جاری هم هندوسـتان رفتیم و گزارش دادیم. ما مرتب دفاع می‌کنیم از کشـور. پس ما تعامل با FATF را شـروع کرده‌ایم و بندهایش را هم داریم اجرا می‌کنیم و در قانون هم آن را گنجاندیم.

همان‌طور که گفتید ما در داخل مجموعه قوانینی مربوط به بخش پول‌شویی و تأمین مالی تروریسـم داریم. مگر این قوانین چه تفاوتی با آنچه بندهای FATF می‌خواهد، دارد که تا این حد این دو کنوانسیون محل بحث و مناقشه است؟

ما تمام توصیه‌های FATF را در قانون گذاشـتیم. قانون را هم مجمع تشـخیص مصلحت نظام تصویب کـرده. در آیین‌نامه‌های مرتبط با این قانون، با تصویب هیئت وزیران و قبلش تصویب شـورای‌عالی مبارزه با پول‌شویی کشور، اینها را بردیم و تبدیل به مقرره کردیم و اکنون اجرایش می‌کنیم اما در جامعه بین‌الملل از فوایدش استفاده نکردیم. من خیلی امیدوار هستم در این فضای کارشناسی که امروز شاهدش هستیم و در کشـور و در مجمع تشخیص نظام ایجاد شـده، از فضای شاید نامتعارف گذشته که بیشتر بازی دسـت افراد غیرمتخصص بود، بگذریم. چون بعضی وقت‌ها افرادی می‌آینـد درمورد این موضوعات نظر می‌دهند که به شـما به صراحت می‌گویم حتی یک بار هم استانداردهای FATF را نخوانده‌اند و فقط تفسیر شخصی‌شان را می‌گویند.

در نهایت اگر بخواهید امروز و در آسـتانه تصمیم‌گیری نهایی برای دو کنوانسیون باقی‌مانده، فقط یک جمله به مخالفان تصویب این دو لایحه بگویید، آن جمله چیست؟

می‌گوییم فرض کنیم حرف شـما درسـت اسـت ولی بپذیریم که این یک چالش بین‌المللی اسـت. به جای اینکه از آن فرار کنیم یا سـعی کنیم صورت‌مسئله‌اش را پاک کنیم، بیاییم مدیریتش کنیم. یعنی با فرض پذیرش تمام نظرات مخالفان FATF، می‌خواهم از آنها بپرسـم آیا در یک جنگ، خالی‌کردن میدان، به نفع کشور است؟ آیا رهاکردن موضوع به حال خودش مشـکل را حل می‌کند؟ یا اینکه باید بیاییم بنشینیم کنار همدیگر که این چالش را مدیریت کنیم؟ آیا اگر فقط بیاییم در جلسـه بگوییم که پیگیری موقتا متوقف شـود، قرار است یک ماه بعد یا دو ماه بعد یا سه ماه بعد اتفاق جدیدی بیفتد برای کشور؟ هرچه جلوتر برویم، هزینه‌ها برای ما بیشتر خواهد بود چون هرچه جلوتر برویـم، قدرت این نهاد و توصیه‌هایش هم قوی‌تـر از قبل خواهد بود. هرچه جلوتر برویم، تمکین کشـورها به اجرای توصیه FATF شدیدتر از قبل خواهد بود. همین الان که دارم با شما صحبت می‌کنم، کشور امارات، کشور چین و کشور ترکیه سه شریک اصلی ما در حوزه‌های تجاری تحت نظارت‌ها و ارزیابی FATF قرار گرفتند. بیایید در راستای منافع ملی کشور این چالش را مدیریت کنیم نه اینکه صورت‌مسئله را پاک کنیم چون این مسـئله قابل پاک‌شدن نیست. نمی‌توانید پاکش کنید چون شده نهاد بین‌المللی در دنیا. نمی‌توانید پاکش کنید چون توصیه‌های FATF قانون شده در تمام کشورها. نمی‌توانید پاکش کنید چون تمام کشورها برای رتبه‌بندی FATF با هم رقابت می‌کنند و منافع خودشـان را در همکاری و تعامل با این نهاد می‌دانند. بیایید نگذاریـم که ما در این مباحث و در این بـازی اقتصادی در دنیا از امتیازها و فرصت‌ها محروم شویم.

تراژدی ویرانگر در بندر شهید رجایی درس‌هایی برای آینده

علی سلطانی

در تاریخ ششـم فروردیـن ۱۴۰۴، انفجاری فاجعه‌بار بندر شـهید رجایـی در بندرعباس، بزرگ‌تریـن بندر تجاری ایران و شـریان حیاتی تجارت را درنوردید. ایـن انفجار که از محوطه کانتینری سینا آغاز شد، احتمالا ناشی از نگهداری نامناسب مواد شیمیایی خطرناک و با قابلیت اشتعال بالا به صورت سهوی یا تعمدی خرابکارانه، بوده است.

آتش‌سـوزی به یک انفجار عظیم تبدیل شـد و دود سـرخ سـمی و موج انفجاری تولید کرد که تا ۵۰کیلومتری احسـاس شد. شیشه‌ها شکستند، سـاختمان‌ها فروریختند و عملیات خدمات‌دهی در بندر به طور کامل متوقف شـد. گزارش‌های رسمی از حدود ۷۰ کشته و بیش از هزارو ۲۰۰ زخمی که ۱۳۸ نفر از آنها در وضعیت بحرانی هستند، خبر می‌دهند. هلال‌احمر ایران و آتش‌نشانان، با کمک هواپیماهای آتش‌نشانی روسیه، با این آتش‌سوزی مقابله کردند، اما آلودگی سمی هوا باعث تعطیلی مدارس و صدور هشدارهای ماندن در خانه در بندرعباس شـد. این فاجعه، یادآور انفجار سال ۲۰۲۰ در بندر بیروت بود و کمبودهای عمیق در چارچوب ایمنی ایران را آشکار کرد.

نگاهی انتقادی به مقررات و رویه‌های ایمنی ایران

انفجار بندر شهید رجایی یک حادثه منفرد نبود، بلکه نشانه‌ای از شکست‌های سیستمی در مقررات و رویه‌های ایمنی و بهداشت شغلی (OHS) ایران بود. در حالی که قانون کار (۱۳۶۹) و نظـارت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی چارچوبی را فراهم می‌کنند، اجرای آن ناهمگون است. رئیس‌جمهور، مسـعود پزشکیان و وزیر کشور، اسـکندر مؤمنی، این انفجار را ناشی از سـهل‌انگاری و عدم رعایت استانداردهای ایمنی و پدافند غیرعامل دانستند و فاش کردند که هشـدارهای قبلی در مورد نگهداری ناایمن مواد شیمیایی نادیده گرفته شده است. این امر به یک رژیم بازرسـی واکنشی و نه پیشگیرانه اشاره دارد؛ جایی که تخلفات به دلیل مجازات‌های ضعیف یا ناکارآمدی‌های بوروکراتیک همچنان ادامه دارد.

اسـتانداردهای ایمنی ایران اغلب قدیمی هستند و با معیارهای جهانی مانند انجمن ملی حفاظـت از آتش (NFPA) یـا مدیریت ایمنی فراینـد (PSM) OSHA مطابقت ندارند. نبود تفکیک مواد خطرناک یا استفاده از سیستم‌های مدرن تخلیه انفجار در بندر، فاجعه را تشدید کرد. آموزش برای کارگران و مدیران ناکافی است و فرهنگ ایمنی ضعیفی را پرورش می‌دهد که در آن خطای انسـانی، مانند جابه‌جایی نادرست مواد شیمیایی قابل اشتعال، بدون بررسی باقی می‌ماند. اقدامات پدافند غیرعامل -که برای مهار انفجارها حیاتی هسـتند- به طور قابل توجهـی غایب بودند و هیچ مدرکی دال بر طراحی‌هـای مقاوم در برابر انفجار یا موانع آتش وجود نداشـت. طرح‌های واکنش اضطراری (ERPs) ناکافی به نظر می‌رسـیدند، زیرا تعداد بالای تلفات و اتکا به کمک‌های خارجی، شکاف‌ها در آمادگی محلی را برجسته کرد.

مناطق صنعتی و لجسـتیکی مانند بندر شهید رجایی به دلیل جابه‌جایی مواد خطرناک و زیرساخت‌های فرسـوده، با خطرات منحصربه‌فردی روبه‌رو هستند. فشارهای عملیاتی برای حفـظ توان عملیاتی بالا اغلب پروتکل‌های ایمنـی را نادیده می‌گیرند و منجر به میان‌برهایی مانند چیدن نامناسـب کانتینرها می‌شـوند. تحریم‌های بین‌المللی دسترسی به فناوری‌های پیشـرفته ایمنی، مانند سیستم‌های تشخیص گاز را محدودتر و تأسیسات را آسیب‌پذیر می‌کند. قرارگیری بندر در یکی از استان‌های کمتربرخوردار و محروم کشور نیز فقدان تعامل با مناطق توسعه‌یافته‌تر کشور را برجسته می‌کند. به طوری که نظارت قوی بر حریم تأسیسات یا ارتباطات عمومی برای کاهش خطرات ناشی از انتشار مواد سمی در خارج از سایت وجود ندارد.

نظـارت پراکنده که بین سـازمان‌های مختلف مانند وزارت کار، سـازمان پدافند غیرعامل، نهادهای نظامی و سازمان بنادر تقسیم شده است، منجر به شکست‌های هماهنگی می‌شود. این امر در روند کند تحقیقات پس از انفجار مشهود بود که هنوز به طور کامل ماهیت شیمیایی دخیل را روشن نکرده است. این ضعف‌ها -اجرای سهل‌گیرانه، استانداردهای قدیمی، آموزش ضعیف و زیرساخت‌های ناکافی- فاجعه را نه‌تنها ممکن، بلکه قابل پیش‌بینی ساخت.

توصیه‌هایی برای جلوگیری از فجایع آینده

برای حفاظت از مناطق صنعتی و لجستیکی ایران و جلوگیری از تکرار فاجعه شهید رجایی، اصلاحات جامع در نظام ایمنی و برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل ضروری است:

تقویت اجرا و نظارت:

- افزایش تناوب و دقت بازرسی‌ها، با اعطای اختیار به بازرسان مستقل برای اطمینان از انطباق با استانداردهای ایمنی.
- اعمال مجازات‌های سـخت‌گیرانه‌تر برای تخلفات ایمنی، با مسئول‌دانستن مدیران مربوطه در قبال سهل‌انگاری.
- ایجـاد یک سـازمان ایمنی متمرکز برای هماهنگ‌سـازی نظـارت در بیـن وزارتخانه‌ها و سازمان‌های صنعتی و تولیدی کشور.

به‌روزرسانی استانداردهای ایمنی:

- همسوکردن مقررات با استانداردهای بین‌المللی مانند NFPA 68 (تخلیه انفجار) و OSHA PSM برای جابه‌جایی مواد خطرناک.
- الزام به رعایت دسـتورالعمل‌های روشن برای ذخیره‌سـازی، جداسازی و ردیابی موجودی مواد شیمیایی، مطابق با سیستم هماهنگ جهانی سازمان ملل.
- به‌روزرسانی منظم استانداردها برای مقابله با خطرات نوظهور در زنجیره‌های تأمین پیچیده.

ارتقای آموزش و فرهنگ ایمنی:

- الـزام به برگزاری دوره‌های آموزشـی مبتنی بر سـناریو برای کارگران و مدیـران در زمینه جابه‌جایی مواد خطرناک، واکنش در برابر آتش‌سوزی و تخلیه اضطراری.
- پرورش یک فرهنگ ایمنی فعال با توانمندسازی کارگران برای گزارش خطرات بدون ترس از تلافی، احتمالا از طریق کمیته‌های بهداشت و ایمنی (HSCs).
- برگزاری منظم مانورهای ایمنی با مشارکت کارگران و جوامع و سکونتگاه‌های هم‌جوار.

سرمایه‌گذاری در پدافند غیرعامل و زیرساخت‌ها:

- بهسـازی تأسیسات با طراحی‌های مقاوم در برابر انفجار، دریچه‌های تخلیه انفجار و موانع مقاوم در برابر آتش برای مهار حوادث.
- نصب سیستم‌های تشخیص گاز در زمان واقعی و خاموشی خودکار برای جلوگیری از تشدید آتش‌سوزی‌ها.
- به‌روزرسـانی زیرسـاخت‌های فرسـوده در بنادر و مناطق صنعتی، با اولویت‌بندی مناطق پرخطر مانند محوطه‌های کانتینری.

بهبود آمادگی در برابر شرایط اضطراری:

- تدوین طرح‌های جامع واکنش اضطراری (ERPs) متناسب با هر تأسیسات، شامل مسیرهای تخلیه سریع و قابلیت‌های آتش‌نشانی در محل.
- تجهیـز بنادر به ابزارهای پیشـرفته آتش‌نشـانی و آموزش تیم‌های محلـی برای کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی.
- اسـتقرار سیسـتم‌های نظارت بر حریم تأسیسـات برای تشخیص انتشـار مواد شیمیایی و محافظت از جوامع مجاور.

مشارکت جوامع:

- ایجاد کانال‌های ارتباطی روشن برای اطلاع‌رسانی به ساکنان در مورد خطرات و پروتکل‌های ایمنی در مواقع اضطراری.
- برگزاری مانورهای عمومی و به اشتراک گذاشتن به‌روزرسانی‌های شفاف در مورد بهبودهای ایمنی برای بازسازی اعتماد.

چاره‌جویی برای محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی:

- جست‌وجوی مشـارکت‌های بین‌المللی از طریق سـازمان‌های بی‌طرف برای دسترسی به فناوری‌های ایمنی علی‌رغم تحریم‌ها.
- بهره‌گیـری از نوآوری‌های داخلی برای توسـعه راه‌حل‌های ایمنـی مقرون‌به‌صرفه، مانند آشکارسازهای گاز تولید داخل.

فراخوان اقدام

انفجار در بندر شـهید رجایی یادآوری هولناکی از هزینه‌های انسـانی و اقتصادی ناشی از سـهل‌انگاری در ایمنی است. مناطق صنعتی و لجسـتیکی ایران که برای شکوفایی کشور ما حیاتی هستند، نباید به بمب‌های ساعتی تبدیل شوند. با تقویت اجرا، به‌روزرسانی استانداردها و اولویت‌بندی آموزش و زیرساخت‌ها، می‌توانیم از فجایع آینده جلوگیری کنیم. این امر نیازمند تلاش جمعی -از سیاسـت‌گذاران و رهبران صنعت گرفته تا کارگـران و جوامع- برای ایجاد فرهنگ ایمنی و تاب‌آوری اسـت. اجازه دهیم این تراژدی وحشتناک، کاتالیزوری برای تغییر در فرهنگ و زیرسـاخت‌های ایمنی کشـور عزیزمان باشد و اطمینان حاصل کنیم در تمام بنادر و گلوگاه‌های اقتصادی و صنعتی، تمام تأسیسات و نیروی انسانی ما تحت استانداردهای جهانی ایمنی فعالیت می‌کنند.